

روان شناسی و تربیت

قسمت آخر ■ کاظم گاهانی مقدم

یک عامل محرک را ایفا می کند. همان طوری که از یک دانه گندم تحت شرایط مساعد فقط یک جوانه گندم به عمل می آید نه چیزهای دیگر، خصوصیات ذاتی مغز کودک هم او را قادر می سازد تا در یک محیط زبانی مناسب همیشه با عبور از مراحل رشد و تکامل کاملاً یکسان، زبان مادری خود را به تدریج فرا گیرد. چامسکی هم چنین می گوید: به جای حفظ و ذخیره کردن جملات زبان، کودک بر اساس اطلاعات موجود در محیط زبانی خویش فقط یک مجموعه محدود از «قواعد دستوری»، را برای خود کشف کرده و فرا می گیرد و این مجموعه هم با خصوصیات ذاتی ذهن و مغز وی کاملاً مطابقت دارد. با فراگیری همین مجموعه، کودک به چنان درجه ای از خلاقیت می رسد که به راحتی قادر است نه تنها متناسب با هر موقعیت تازه جملات کاملاً بدیع بسازد بلکه جملات بدیع دیگران را نیز به خوبی بفهمد و هم در خصوص صحت و سقم آنها به قضاوت بپردازد، به بیان بسیار ساده فراگیری زبان به نظر چامسکی چیزی جز کشف یک سلسله قواعد محدود و عام دستوری و روش کاربرد آنها در موقعیت های تازه نیست.

از سال ۱۹۵۷ تا کنون رشته های روانشناسی و زبانشناسی هر دو عمیقاً تحت تأثیر جاذبه نظرات چامسکی بوده اند. وی معتقد است اصول کلی مربوط به ساخت و قواعد زبان منشأ ذاتی دارند و فراگیری زبان بر خلاف ادعای مخالفین عبارت از تقلید، تکرار و در نتیجه حفظ کردن جملات اطرافیان توسط کودک نیست. برای اثبات بی بایگی این گونه نظریات اکتسابی مربوط به فراگیری زبان، دلایل نظری و عملی فراوانی ارائه شده است، جالب ترین آنها این است که در هر زبان تقریباً تعداد - ۱۲۰ یعنی (۱۰ به توان ۲۰) جمله (بیست کلمه ای) وجود دارد. اگر مطابق نظریه اکتسابی، کودک ناچار می بود تمام جملات لازم را به تدریج از اطرافیان کسب کند، در این صورت وی به مدت زمانی در حدود هزار برابر عمر تقریبی کره زمین احتیاج می داشت تا به این تعداد جملات بیست کلمه ای فقط گوش بدهد!

به ادعای چامسکی کودک در سایه و با هدایت همان اصول کلی مربوط به ساخت عمومی زبان که جزو ذات اوست فقط آن مجموعه محدود از قواعد معین و مشخصی را با توجه به اطلاعات ناقصی که از محیط زبانی خود بدست می آورد، کشف و استخراج می کند.

خانم دکتر جین اچسون در کتاب روانشناسی زبان نظرات اسکینر و چامسکی را بررسی کرده است.

وی همچنین در تعریف زبان از قول چارلز هاکت زبانشناس آمریکایی ده خصیصه مربوط به زبان را می شمارد و معتقد است

در رابطه با رشد زبان نظریه های مختلفی ارائه شده است، یکی از این نظریه ها، نظریه اکتسابی بودن زبان است که توسط «بی، اف، اسکینر» روانشناس معروف ارائه شده است نظریه دیگر که در مقابل نظریه فوق ارائه شده است، نظریه ذاتی بودن زبان است که توسط «نوام چامسکی» زبان شناس آمریکایی طرح گردیده است.

به نظر «اسکینر» برای یادگیری زبان به هیچ مکانیسم پیچیده ذاتی یا ذهنی احتیاجی نیست. به عقیده وی، تنها شرط لازم و کافی برای توجیه یادگیری زبان، مشاهده منظم رویدادهای جهان خارج است که کودک را وادار به ادای صداهایی می کند.

ادعای اسکینر درباره درک ماهیت زبان صرفاً بر پایه نتایج حاصله از تحقیقات آزمایشگاهی وی بر روی موش و کبوتر استوار شده بود، زیرا این تحقیقات ثابت کرده بود، با داشتن وقت کافی می توان موش و کبوتر را طوری تربیت کرد که بتواند انواع غیر قابل تصویری از وظایف ظاهراً پیچیده را انجام دهند. به شرط اینکه دواصل اساسی رعایت شود. اولاً هر یک از این وظایف را باید به مراحل تدریجی و کاملاً دقیقی تجزیه نمود، ثانیاً کارهای درست حیوان را باید مکرراً پاداش داد. اسکینر این نوع یادگیری از طریق «آزمایش و خطا» را شرطی شدن عامل نامیده است. و معتقد است آزمایشهایی که بر روی انواع حیوانات انجام شده است بدون تغییرات اساسی می توان به رفتارهای انسان نیز تعمیم داد. در حالی که نظریه زایشی - کشتاری چامسکی چنین نیست. او معتقد است اسکینر اساساً شناخت درستی از ماهیت زبان ندارد. چامسکی معتقد است اصول و صورت کلی و عمومی زبان جزو «ذات» کودک است و «محیط زبانی» کودک تنها نقش

اگر حیوانی یافت شد که این مختصات را کاملاً دارا بود آنگاه قادر به حرف زدن است. این ویژگیهای دهگانه به اختصار عبارتند از:

۱- استفاده از مجرای گویایی: شنوایی بدیهی ترین خصیصه زبان استفاده از مجرای گویایی-شنوایی است. صداها توسط عضوهای گویایی تولید شده و از طریق دستگاه شنوایی دریافت می گردند.

۲- اختیاری بودن: بدین معناست که زبان انسان از نمادهای صوتی خنثی استفاده می کند به عبارت دیگر بین کلمه فارسی «لامپ» و شبئی که عامل روشنایی است هیچ گونه ارتباط صوتی وجود ندارد، چرا که کلمات دیگری را هم می توان به جای «لامپ» بکار برد بدون اینکه در ماهیت این شبئی تغییری بدهد.

۳- معنادار بودن: معنادار بودن یعنی بکار بردن نمادهایی جهت افاده معنی یا اشاره به اشیاء و اعمال

۴- انتقال فرهنگی: یعنی انسان زبان خود را از راه تعلیم از نسلی به نسل دیگر منتقل می سازد.

۵- کاربرد خلق الساعه: منظور این است که انسان گفتار خود را آزادانه انتخاب می کند.

۶- رعایت نوبت: یعنی افراد بشر در اکثر گفتگوهای خود با دیگران با رعایت نوبت حرف می زنند و هرگز با طرف مقابل به نوعی مسابقه رقابت آمیز مبادرت نمی ورزند.

۷- دوگانگی: دوگانگی یا تولید دوگانه بدین معناست که زبان بر پایه دو سطح تنظیم شده است، واحدهای اصلی صوتی مورد استفاده در حرف زدن مثل /ع/ /ه/ /د/ /،/ /ل/ /فی/ /نفسه/ فاقد معنی اند. تنها هنگامی معنی پیدا می کنند که در توالی های معینی با هم ترکیب شوند.

۸- بُعد زمانی و مکانی: بعد زمانی و مکانی یا توانایی اشاره به چیزهایی که از لحاظ زمان و مکان در فاصله ای بسیار دور قرار دارند، خصیصه پر اهمیت در زبان انسان است، هر کسی به راحتی می تواند بگوید «عموی من که در مشهد زندگی می کند پارسال زمین خورد و زانویش شکست»، اما القاء چنین مفهومی احتمالاً برای حیوانات غیر ممکن است.

۹- ساخت - وابستگی: منظور این است که ترکیب و تولید کلام صرفاً به صورت کنار هم گذاردن یک دسته لغات نیست بلکه هر جمله ای دارای نوعی ساخت درونی است که شنونده باید آن نوع ساخت را درک کند.

۱۰- خلاقیت: این خصیصه انسان را قادر می سازد تا درباره هر چه که بخواهد حرف بزند بدون اینکه برای خود یا شنونده کوچکترین مشکل زبانی ایجاد کند. خلاقیت یا توانایی تولید و فهمیدن تعدادی نامحدود جملات بدیع فوق العاده بر

اهمیت و منحصر به انسان است.

آخرین خصیصه بیولوژیکی زبان که در اینجا مورد بررسی قرار می دهیم توالی منظمی از علائم است که در مسیر تحول زبان به چشم می خورد. چنین به نظر می رسد که تمام کودکان در فراگیری زبان از مراحل یک و بیش ثابتی عبور می کنند، تمام کودکان این مراحل را طی خواهند نمود ولی از نظر رسیدن به هر یک از این مراحل یا علائم با هم تفاوت زیادی دارند.

بنابراین رشد و تکامل زبان را می توان به چند مرحله تقریبی به صورت زیر تقسیم نمود:

- ۱- گریه کردن [تولد] ۲- غنوغون و «ورور» کردن [۶ ماهگی]
- ۳- ایجاد الگوهای آهنگ [۸ ماهگی] ۴-
- گفتارهای یک کلمه ای [یک سالگی] ۵- گفتارهای دو کلمه ای [۱۸ ماهگی] ۶- صرف کلمات [۲ سالگی] ۷-
- سؤال، منفی [۲-۳ سالگی] ۸- ساختمانهای پیچیده یا نادر [۵ سالگی] ۹- گفتار بخته [۱۰ سالگی].

این تقسیم بندی نمای بسیار ساده ای از کل قضیه است، این مراحل در هم تداخل پیدا می کنند و ستین داده شده فقط جنبه راهنمایی کلی دارند، مع هذا تقسیم بندی بالا تصویری از پیشرفت احتمالی کودک را بدست می دهد.

کودکان در مسیر فراگیری زبان ممکن است دچار مشکلاتی شوند که حتی الامکان باید از بروز آنها جلوگیری نمود. نوزادان از روشهای غیر کلامی برای بیان نظر خود استفاده می کنند مانند گریه کردن، لبخند زدن، اشاره کردن، به مادر چسبیدن، جیغ کشیدن، بازوان خود را دور گردن مادر قرار دادن و غیره. کودکان سالم تا پایان نخستین سال تولد ۳/۴ حروف صدا دار و ۱/۳ حروف بی صدا را تشخیص می دهند و ۲ یا ۳ کلمه معنی دار را ادا می کنند. هر گاه کودک ناشوا باشد مقدار صداهایی که بین ۹ ماهگی تا یک سالگی در می آورد کاهش می یابد، همچنین قادر به تقلید صداها نیست.

بعضی از کودکان سخن گفتن را با تأخیر آغاز می کنند، علل تأخیر در گفتار را می توان عقب ماندگی ذهنی، عوامل خانوادگی، حاملگی های چند گانه، محرومیت عاطفی، ناشنوایی، تأخیر در رشد، فلج مغزی، پسکوزها و عوامل ناشناخته دیگر دانست. مهمترین اینها همان عقب ماندگی ذهنی است که جای بحث فراوان دارد، هر گاه کودک تا سن پنج سالگی هیچ کلمه ای را ادا نکند دورنمای رشد بعدی گفتار او بسیار نوسید کننده خواهد بود.

یکی از مشکلات گفتاری لکنت زبان است که شیوع فراوانی دارد، تحقیق نشان می دهد ۵۰ درصد افرادی که دچار لکنت زبان می باشند در نخستین دوره کودکی خود دچار تأخیر در تکلم بوده اند لکنت زبان که علل ارثی و روانی دارد بحث

مهمی در مشکلات گفتاری است که فرصت دیگری را برای بحث می‌طلبد.

بحث پیرامون روانشناسی زبان بسیار گسترده است و مفضل آن در این مختصر نمی‌گنجد، لذا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم و به تعلیم و تربیت زبان می‌پردازیم.

● تعلیم و تربیت زبان:

اصلی‌ترین بحث زبان، تعلیم و تربیت آن است، اگر کودک‌کی به خوبی سخن نگوید در مسیر رشد عمومی خصوصاً رشد اجتماعی و اخلاقی وی مشکلات مهمی ایجاد می‌گردد و مشکلات تربیتی فراوانی برای خانواده خود و اجتماع فراهم می‌سازد. قبلاً نقش زبان در زندگی بشر را متذکر شدیم این وسیله ارتباطی به قدری مهم است که امروزه متخصصین، زبان‌آموزی را از وظایف مهم آموزش و پرورش در تمام کشورهای دنیا آموزش زبان قسمت عمده برنامه‌های درسی را تشکیل می‌دهد. زبان در تربیت اندیشه و تفکر آدمی نیز نقش مهمی را ایفا می‌نماید. گفتیم که زبان مجرائی است که اندیشه از کانال آن عبور می‌کند و به دیگران انتقال می‌یابد. شخص هنگامی که با همنوع خود به تبادل افکار می‌پردازد می‌خواهد اندیشه خود را در قالبی زیبا و نیکو بریزد تا به خوبی تفهیم گردد، زبان نه تنها منتقل‌کننده افکار است بلکه به پرورش نیروی تفکر نیز کمک می‌کند. زبان پیازه که از مهمترین روانشناسان شناختی است و امروزه کمتر کتابی در مورد روانشناسی وجود دارد که نظریات او را تبیین نکرده باشد.

در زمینه زبان و تفکر می‌گوید: زبان به کار فکری می‌آید بدین معنی که کودک به مدد زبان فکری کند، شخص وقت فکر کردن حرف می‌زند پس اگر زبان نباشد فکر کردن هم نخواهد بود. ثابت شده است وقتی کسی دارد فکری کند تارهای حنجره‌اش که محل ایجاد صوت است به لرزش در می‌آید و این لرزشها را به مدد دستگاههای ظریف علمی ضبط و ثبت کرده‌اند. این لرزش از آنجا سرچشمه می‌گیرد که شخص به وقت تفکر با خودش حرف می‌زند. این فرضیه تا حدی درست است یعنی وقتی گفتیم انسان به مدد فکر حرف می‌زند خواه ناخواه خواهیم گفت به مدد زبان زندگی می‌کند، پس زبان وسیله زندگی کردن فرد است و جانوران چون زبان ندارند از زندگی روانی انسانی دور می‌مانند.

بنابراین تربیت زبان به تربیت تفکر نیز می‌انجامد، معمولاً از طرز سخن گفتن افراد به نوع تفکر آنها نیز می‌توان پی برد. کسانی که سخنان بیهوده و لهومی گویند و زبان خود را به هر سخن، زشت و ناپسندی می‌آلایند طرز تفکر و اندیشه خود را نیز نشان می‌دهند. سعدی گفته است:

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد

یکی از اندیشمندان می‌گوید: «چه زبان و اندیشه را عین هم بدانیم و چه ندانیم، یک چیز، مسلم است و آن اینکه در اغلب موارد، اندیشه مستلزم بکار بردن زبان است و چگونگی زبان در چگونگی اندیشه تأثیر بسیار دارد» بنابراین برای سالم‌سازی و رشد گسترش دامنه تفکر لازم است به سالم‌سازی و رشد و گسترش زبان توجه فراوانی نماییم.

قبل از توضیح چگونگی تعلیم و تربیت زبان باید یک اصل مهم را که نشئت گرفته از مکتب عزیز اسلام است روشن نماییم و آن اینکه ما معتقدیم زبانی زنده و بویا و تربیت شده است که جز آنچه مورد رضای حق تعالی است نگوید در غیر این صورت آن زبان را مرده می‌دانیم هر چند زیبا سخن نگوید چرا که در نظر ما معیار تربیت، مکتب است. دستوراتی که از سوی خداوند حکیم و علیم رسیده است کاملترین و بهترین راهنمای بشر است. و ما را از تمامی مکاتب شرق و غرب مستغنی می‌سازد بسیاری از تئوریهای تربیتی که اندیشمندان غرب چون «روسو»، «منسوری» و «جان دیویی» و دیگران مطرح کرده‌اند توسط انبیاء و ائمه (ع) ارائه شده بود که دنیای علم، امروز غافل از آن بوده هستند.

زبان در قرآن مجید با لفظ «لسان» به عنوان مفرد و با لفظ «السنه» به عنوان جمع بیان شده و به چند معنی بکار رفته است در قرآن برای سخن گفتن از الفاظ دیگری چون «قول» و «کلمه»، بکار رفته است، برای اینکه سخن به درازا نکشد به پاره‌ای از نکات تربیتی قرآن در تربیت زبان اشاره می‌کنیم.

در بسیاری از آیات قرآن افراد به راستگویی تشویق و ترغیب نموده است و سخن راست و درست را برای جامعه بشری ضروری می‌داند. می‌فرماید: «قدیوا قولاً سدیداً مصالح لکم اعمالکم» - سوره ۲۳ آیه ۷۰ - سخنان راست و درست بر زبان آرید تا کارهایتان اصلاح شود.

خداوند بندگانی را که سخن زیبا و نیکومی گویند دوست دارد، در سوره ۱۷ آیه ۵۳ می‌فرماید:

و قل بصادی یقولوا اللّٰتی هی احسن «به بندگانم بگو سخنانی که بهتر و نیکوتر است بگویند»

در جایی دیگر می‌فرماید: «وقولوا للناس حسناً - سوره بقره/۸۳ - با مردم سخنان خوب و نیکو بگویند.

قرآن اهمیت و نقش زبان را در جربان حضرت موسی (ع) نقل می‌کند، آنجایی که حضرت موسی (ع) از خدا می‌خواهد گرفتگی زبانش را رفع نماید و به او نفوذ کلام عنایت نماید:

رب الشرح لی صدردی و بسرلی امری و احلل عقدة من

لسانی، یفقهوا قولی - سوره، طه/۲۷ بقیه درصص ۶۲

نیکوست. سخن گفتن در همه جا مناسب نیست. کسانی که زیاد می‌گویند کمتر فکر می‌کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: اگر گمان داری که سخن گفتن نقره است بدان که سکوت، طلاست. و امام صادق (ع) می‌فرماید: خاموشی گنج فراوان و زینت بردار و پوششی نادان است.
شهریار می‌گوید:

زگفتار باطل فسر و بسند لب
که لب گریب حق و شود دلگشاست
تو غیبت به حق یا بناحق مکن
نگفتن به از گفتن نارواست
ببین تا چه فرمود مولا علی
سخن گز ز نقره سکوت از طلاست
و به کودک باید آموخت که سخن سنجیده گوید و قبل از گفتگو با مردم تفکر کند و آنچه را می‌گوید با استدلال و برهان بیان نماید که به قول ملک الشعراء بهار:

سخن چو گویی سنجیده گوی در مجلس
که از کلام نسنجیده خوار گردد مرد
۴- ایجاد رابطه عاطفی بین والدین و کودک از جمله مسائل مهمی است که در رشد زبان بسیار پر اهمیت است
کودکانی که دچار مشکلات عاطفی هستند بیشتر به اختلالات زبانی مبتلا می‌گردند. لکنت زبان که از اختلالات مهم گفتاری است ناشی از اختلالات عاطفی است و به عبارتی دیگر مشکلات عاطفی خانواده یکی از علل عمده این بیماری زبانی است. پدر و مادری که در حضور کودک دعوا و نزاع می‌کنند موجبات این نوع اختلالات را فراهم می‌سازند. و به طور کلی کانون خانواده در تکلم کودک اثر مستقیمی به جا خواهد گذاشت.

۵- برای رشد زبان لازم است والدین با کودک خود حرف بزنند و او را نیز به حرف زدن تشویق کنند. والدینی که به سخنان کودکان خود توجه نمی‌کنند و با بی‌میلی گوش و گاهی نیز او را مورد تمسخر قرار می‌دهند موجب سرکوفتگی این استعداد خدادادی می‌شوند، بعضی از والدین فرزندانشان را از سخن گفتن در مقابل بزرگنرها منع می‌کنند و او را از ابراز نظرات خود محروم می‌سازند. این نه تنها فرزند را از رشد زبانی باز می‌دارد. بلکه در بزرگسالی هم فردی خجل و کم حرف بار می‌آید به طوری که در میهمانیها و در حضور اقوام نیز یک کلمه سخن نمی‌گوید.

۶- احترام گذاشتن به سخنان کودک یک اصل مهم

۱- پروردگارا سینه‌ام را فراخ و کارم را آسان گردان و گره از زبانم بگشا تا گفتارم را دریابند.

در جایی دیگر قرآن اختلاف لهجه و آهنگ سخن گفتن را از آیات الهی می‌داند و می‌فرماید:

ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف السنتمکم واللوانکم.... یعنی از نشانه‌های خدا آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف طرز تکلم و آهنگ گفتگوی شماست.

در قرآن مجید و لسان‌ائمه معصومین (ع) سخن پیرامون تعلیم و تربیت زبان فراوان است و پرداختن به همه آنها در حوصله این مقاله نیست لذا نکات تربیتی زیر را متذکر می‌شویم:

۱- هر چند انسان در طول حیات خود قابل تغییر و تحول اخلاقی است ولی به اعتقاد اکثر قریب به اتفاق روانشناسان و متخصصین تعلیم و تربیت دوران کودکی از این لحاظ از حساسترین و مهمترین دوران تعلیم و تربیت به شمار می‌رود، اگر پایه‌های اولیه کودک درست بنا شود، و با بهره‌گیری از فطرت پاک کودک مانعی در رشد وی حاصل نشود، چنین کودک در بزرگسالی هیچ مشکلی نخواهد داشت. لذا والدین و اولیاء تربیتی می‌بایست بیشترین جهد و تلاش خود را از ابتدای کودکی و تولد، برای سالم‌سازی محیط به عمل آورند و محیط او را از هر گونه آلودگی زبانی پاک سازند.

۲- دروغ، تهمت، غیبت، فحاشی، بدزبانی، لاف زدن، طعنه زدن، پرگویی، بهوده‌گویی، تملق و چاپلوسی از جمله آفات زبان است که اگر کودک با چنین آفاتی مواجه شود. کل تربیت وی را به خطر می‌اندازد.

در مکتب ما تمام موارد فوق مردود و گناه محسوب گردیده است. به همین دلیل والدین و اعضای خانواده باید با یکدیگر به احترام سخن گویند و همدیگر را مورد تمسخر قرار ندهند، دوستان و هم‌بازیهای کودک نیز باید چنین باشند و از این خطاهای زبانی به دور باشند. ناصر خسرو می‌گوید:

مکن فحش و دروغ و هزل پیشه

مذن بریای خود ز نهارتیشه

دگر آنرا که باشد فحش، گفتار

نباید به نزد مردم قدر و مقدار

۳- به کودکان باید بیاموزیم که هر چیز به جای خویش

غروب سال

بقیه از ص ۴

غفلت، کوس رحلت می نوازند؛ آنگاه بهره‌وری ما از زندگی وجهی دیگر خواهد یافت. اگر بدانیم «خیلی وقت نداریم» بیش از این خواهیم کوشید و پیش از «تنگنای فرصت»، فرصت فراخ امروز را غنیمت خواهیم شمرد.

علی (ع) در سخنی زیبا و هشدار بی‌سند می‌فرماید: «قَصِّرُوا الْأَمَلَ وَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَخَافُوا بَغْتَةَ الْأَجْلِ فَإِنَّهُ لَنْ يُرْجَى مِنْ رَجْعَةِ الْعُمْرِ مَا يُرْجَى مِنْ رَجْعَةِ الرَّزْقِ، وَمَافَاتِ الْيَوْمِ مِنَ الرَّزْقِ يُرْجَى غَدًا زِيَادَتَهُ وَمَافَاتِ أَمْسٍ مِنَ الْعُمْرِ لَمْ يُرْجَ الْيَوْمَ رَجْعَتُهُ. آرزوها و بلندپروازیهای نابجا را کوتاه کنید و به «عمل» اقدام کنید و از مرگ ناگهانی و زود هنگام بترسید که «رزق و روزی» از دست رفته ممکن است برگردد اما «روزی» که از دست رفت برگشتنی نیست رزق و روزی کم شده و از دست رفته، شاید افزون شود اما آنچه که دیروز از عمرتان رفته است، امید بازگشتش نیست.

بیاییم، در پایان راه، در انتهای جاده‌ای که به ۱۳۷۱ ختم می‌شود با «خود» و با «زمان» جدی‌تر برخورد کنیم. بیاییم بیش از این «لغو» و لهودر ساحت حیاتمان راه نیابد که هیچکس دنیا را به «بازی» نگذراند مگر اینکه خود «بازیچه» شد. فردای بیداری و طلوعه سالی همه شور و تکاپو و بالندگی بر شما مبارک باد.

در هر صورت توجه به زبان کودک و سعی در رشد و گسترش آن از اهداف مهم تعلیم و تربیت و از مهمترین وظایف معلمین و اولیاء تربیتی می‌باشد. عدم توجه به این ویژگی عالی انسانی، محرومیت‌های شدیدی را به دنبال خواهد داشت که خسارت‌های فراوان آن به انسان و جامعه بشری قابل حیران خواهد بود.

منابع

- ۱- قرآن مجید (در قسمت تعلیم و تربیت زبان)
- ۲- اجسون، جین: روان‌شناسی زبان، ترجمه: عبدالخلیل حاجتی
- ۳- مهرگان، هوشنگ: نگاهی به دانش نوین روان‌شناسی زبان
- ۴- لطف‌آبادی، حسین: روان‌شناسی رشد زبان
- ۵- ل. مان، نرمان: اصول روان‌شناسی، ترجمه: دکتر محمود ساعتچی

تربیتی است. احترام به سخنان کودک به منزله احترام به شخصیت اوست. کودک آداب سخن گفتن را چنین می‌آموزد که والدین و اولیاء تربیتی سخن او را قطع نکنند بلکه به دقت گوش فرا دهند و خود نیز با شمرده سخن گفتن و رعایت ادب کلامی، چگونه سخن گفتن را به وی بیاموزانند. این چنین است که در کودک اعتماد به نفس بوجود می‌آید و احساس تملق خاطر می‌کند کودکی که اعتماد به نفس دارد با جرأت سخن می‌گوید و تحت هر شرایطی سخن خود را قاطع و محکم بیان می‌کند. لذا سخن‌گویی موفقیت‌آمیزی برای وی ایجاد می‌گردد.

۷- به کودکان بیاموزیم که باید بین قول و عمل ارتباط مستقیم وجود داشته باشد و برای این خاطر، خانواده کودک باید اصل مهم تربیتی را رعایت نماید مثلاً اگر پدر قولی به کودک داد حتماً عمل نماید. خداوند از کسانی که بین حرف و عمل آنها فاصله است سخت خشمگین می‌شود. و شدیداً اعتراض می‌کند که چرا می‌گویید آنچه را که عمل نمی‌کنید.

۸- معلمین نیز باید زبان‌آموزی را سرلوحه کار خود قرار دهند. شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از مراحل یادگیری زبان است. شنیدن و گفتن ارکان سمعی و خواندن و نوشتن ارکان بصری زبان می‌باشند. آموختن هر زبانی مستلزم یادگیری کلمات و آشنایی با اصول دستوری و مطالعه آثار مکتوب و غیر مکتوب آن زبان است. هنگامی که می‌توان گفت فردی یک زبان را به خوبی یاد گرفته است که معانی واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات و حتی ضرب‌المثلها، کنایات، استعارات، و... رایج در آن زبان را به آسانی و خوبی بفهمد و جای بکار بردن آنها را به درستی بشناسد و بابه عبارت ساده‌تر قادر باشد به آن زبان خوب بشنود و سخن گوید و خوب بنویسد و خوب بخواند.

برای درست اندیشیدن باید زبان آموخت و برای خوب سخن گفتن و خوب خواندن باید درست گوش داد و برای خوب نوشتن باید خوب خواند. این موضوع از لحاظ پیشرفت زبان بسیار مهم است. هر گاه معلمی بتواند ماهرانه فنون مختلف زبان اعم از «سخن گفتن، املا، انشاء، یادداشت برداری، تلخیص، نتیجه گرفتن از گفتار دیگران را به شاگردان خود بیاموزد پیشرفت آنان را تضمین کرده است وگرنه وضع چنین خواهد بود که اغلب می‌بینیم. بنابراین در کار آموزش زبان، فعالیت‌های گوش دادن، گفتار، خواندن و نوشتن را طوری باید به یکدیگر ارتباط داد تا از هر کدام به نفع دیگری بهره‌برداری کرد و با ایجاد این همبستگی آموختن را برای کودک دلنشین و دلپذیر ساخت.